

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رشد اقتصادی باثبات، ضرورت‌ها، چالش‌ها و الزامات آن

دکتر حسن حیدری

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

بهار ۱۴۰۰



ضرورت و اهمیت رشد اقتصادی پایدار از نگاه اسناد بالادستی

توجه به موضوع رشد اقتصادی و تاکید بر پایدار بودن آن در اسناد بالادستی به روشنی بیان شده است. به طور مشخص:

۱- سیاست‌های کلی برنامه‌ی ششم توسعه:

بند ۱: رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا به‌گونه‌ای که با بسیج همه‌ی امکانات و ظرفیت‌های کشور، متوسط رشد ۸ درصد در طول برنامه محقق شود.

۲- سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه:

امور اقتصادی

الف) رشد مناسب اقتصادی با تأکید بر:

۲۱- تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸٪ نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی با:

۱- ۲۱- توسعه سرمایه‌گذاری از طریق کاهش شکاف پس‌انداز - سرمایه‌گذاری با حفظ نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی حداقل در سطح ۴۰ درصد و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی.

۲- ۲۱- ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به یک سوم در پایان برنامه.

۳- سیاست‌های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری»

بند ۳: تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات و تقویت تولید ملی.

۴- سیاست‌های کلی اشتغال

۷. هماهنگ‌سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید.

ضرورت و اهمیت رشد اقتصادی پایدار از نگاه اسناد بالادستی

بحث رشد پایدار اقتصادی در صدر سیاستهای اقتصاد مقاومتی در بیان هدف از این سیاستها به عنوان هدف از این سیاستها مورد تاکید قرار گرفته است:

«با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخصهای مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد.»

علاوه بر این، در بندهای مختلف سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی بر عناصری تاکید شده است که همگی با هم اجزای رشد اقتصادی پایدار را تشکیل میدهند:

اقتصاد دانش بنیان و نظام ملی نوآوری (بند ۲)، محور قراردادن رشد بهره‌وری و تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد (بند ۳)، مدیریت مصرف (افزایش پس‌انداز) و ترویج مصرف کالای داخلی (بند ۸)، اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی و ایجاد ثبات در اقتصاد ملی (بند ۹)، حمایت از صادرات (بند ۱۰)، استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدفهای اقتصادی (بند ۱۲)، شفاف‌سازی اقتصاد و مبارزه با فساد (بند ۱۹)،

همه این موارد نشانگر یک مجموعه‌ای از سیاستهای است که اگر به درستی اجراء شوند، نتیجه آن تحقق رشد پایدار اقتصادی به عنوان یکی از اهداف اصلی این سیاستها و نیز سایر سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی خواهد شد.

رشد پایدار و سایر اهداف کلان کشور (اشتغال، امنیت اقتصادی، فقرزدایی).

کوتاه مدت:

در کوتاه مدت کاهش رشد اقتصادی مستقیماً به کاهش اشتغال می انجامد.

کاهش رشد اقتصادی به کاهش درآمد در اقتصاد می انجامد که خود به کاهش درآمد دولت و نیز کاهش درآمد عوامل تولید بویژه نیروی کار می انجامد.

میان مدت و بلندمدت:

کاهش رشد اقتصادی در بلندمدت از طریق کاهش درآمد دولت و نیز کاهش اشتغال و کاهش درآمد عوامل تولید موجب گسترش فقر در کشور می شود.

کاهش درآمد دولت توان توسعه ای دولت را تضعیف می کند.

دولت ضعیف نمی تواند نیازهای مهمی مانند آموزش و بهداشت را برآورده سازد. از سوی دیگر، گسترش فقر سبب گسترش فساد می شود و این فساد بدنه دولت را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

کاهش توان توسعه ای دولت و کاهش قدرت حاکمیتی آن در برآوردن نیازهای مردم سبب ایجاد و یا گسترش شکاف میان ملت و دولت می شود.

نتیجه: کاهش رشد اقتصادی = کاهش امنیت ملی

رشد پایدار و سایر اهداف کلان کشور (اشتغال، امنیت اقتصادی، فقرزدایی).

میان مدت و بلندمدت:

کاهش درآمد دولت و کاهش اندازه اقتصاد توان آن را در چانه زنی های بین المللی کاهش می دهد. در عرصه بین المللی یکی از اصلی ترین پایه های قدرت، سهم از اقتصاد جهانی است.

با کاهش منابع ملی (دولت و بخش خصوصی) هزینه های نظامی، هزینه های فناوری، کمک های بین المللی کشور و توان اعمال نفوذ کشور کاهش می یابد.

نتیجه: کاهش رشد اقتصادی = کاهش قدرت دیپلماسی

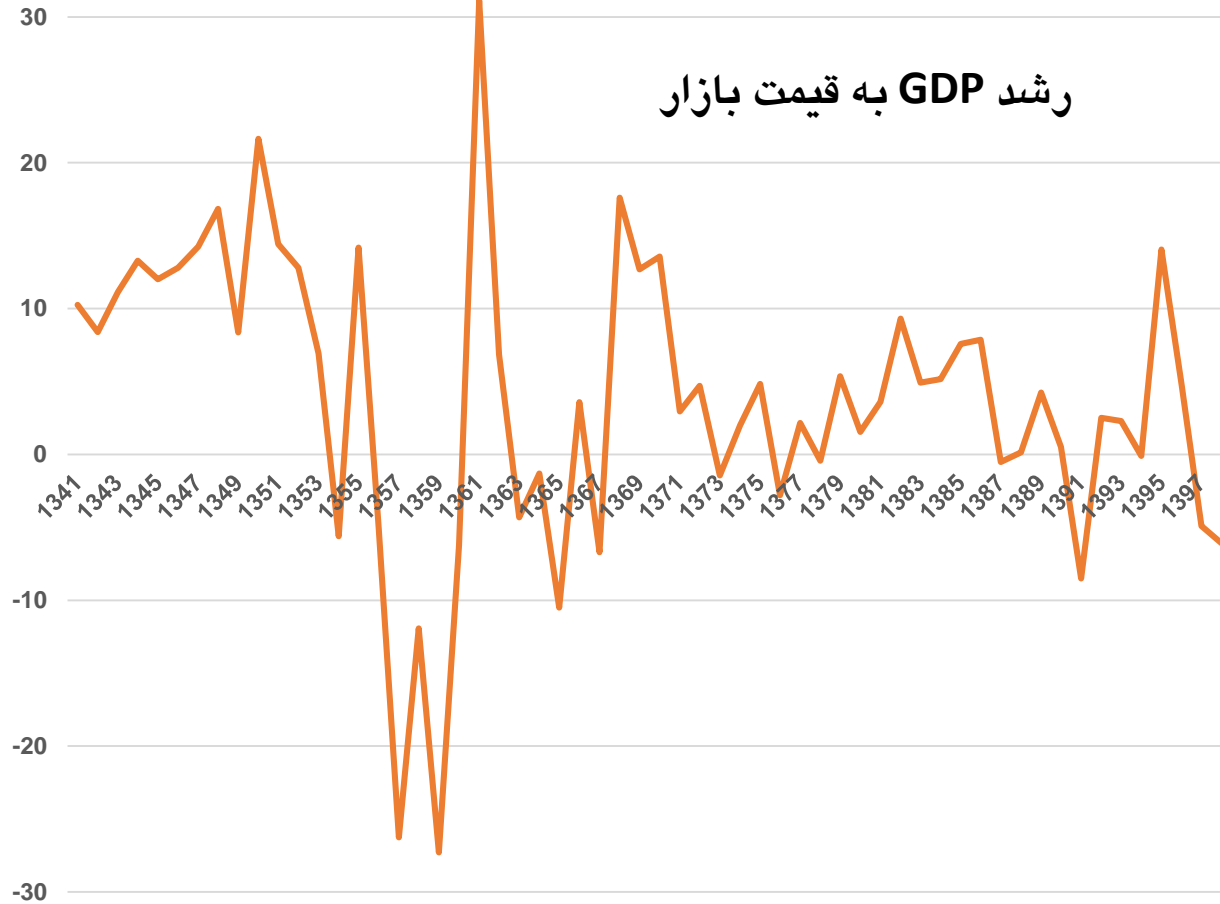
رشد پایدار اقتصادی نیازمند یک دولت مقتدر و کارآمد (سیاستهای مناسب مالی و پولی، سیاستهای تجاری، سیاستهای فناورانه، هزینه های عمرانی، توسعه ای، و...)، دیپلماسی کارآمد و موثر در جهت تشویق سرمایه گذاری، امنیت اقتصادی و غیر اقتصادی کشور است.

رشد اقتصادی نیازمند وفاق ملی و تفاهم بین دولت و ملت، نهادهای شفاف و سالم و در جهت تشویق و کمک به کارآفرینی و رشد اقتصادی است.

افزایش قدرت چانه زنی ملی فرصتهای رشد اقتصادی را تقویت می کند و این نیز به نوبه خود موجب گسترش رشد اقتصادی می شود.

بررسی وضعیت موجود رشد اقتصادی، حقایق و روندهای آن

عملکرد بلندمدت رشد اقتصادی



شرح	1341-1398	1368-1398	1370-1379	1380-1389	1390-1398
متوسط	3.9	3.9	3.1	4.4	0.5
انحراف معیار	10.1	5.8	4.6	3.3	6.7
ضریب تغییرات	263	141	149	75	1329

بررسی وضعیت موجود رشد اقتصادی، حقایق و روندهای آن

عملکرد رشد بخشهای عمده اقتصادی را می توان بر حسب متوسط رشد اقتصادی آنها و میزان پایداری و ثبات آنها سنجید.

1390-1398		1380-1389		1370-1379		1368-1397		1341-1398		عملکرد رشد اقتصادی
ضریب تغییرات	متوسط	ضریب تغییرات	متوسط	ضریب تغییرات	متوسط	ضریب تغییرات	متوسط	ضریب تغییرات	متوسط	
307	1.6	215.2	4.1	260.8	3.7	229.3	3.6	173	3.9	کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری
507	-3.7	1740.4	0.4	1652.6	0.6	752.6	1.5	835	2.3	معادن (استخراج نفت و گاز و سایر معادن)
203	-5	62.9	8.4	228.5	4.2	245.8	4.1	188	5.9	صنعت
254	5	85.6	8.0	102.9	11.5	120.4	8.9	123	10.9	تامین آب، برق و گاز طبیعی
2921	-0.4	185.6	3.8	233.1	10.1	281.6	5.7	286	6.5	ساختمان
117	3.6	54.9	5.6	58.6	5.2	68.0	5.5	140	5.9	خدمات

بررسی وضعیت موجود رشد اقتصادی، حقایق و روندهای آن

- ۱- در یک دوره بلندمدت از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۹۷ متوسط رشد اقتصادی ایران ۳.۹ درصد بوده است.
- ۲- رشد بلندمدت ۳.۹ درصدی اگرچه بالا نیست، اما در صورت ثبات و پایداری، عملکردی نامناسب نیست.
- ۳- مهمترین ویژگی رشد اقتصادی بلندمدت در ایران، نوسانات بالای آن میباشد. در یک دوره حدوداً ۵۰ ساله، نوسانات رشد اقتصادی ۲/۵ برابر متوسط رشد بلندمدت بوده است.
- ۴- در دوران پس از جنگ، متوسط رشد اقتصادی ۳/۹ درصد بوده است اما ثبات رشد اقتصادی به طور متوسط افزایش یافته است، بطوریکه ضریب تغییرات در این دوره ۱۴۱ درصد می باشد.
- ۵- در دهه های پس از جنگ، بهترین عملکرد مربوط به دهه ۱۳۸۰ می باشد که متوسط رشد آن ۴/۴ درصد و نوسان آن نیز بسیار کم (۷۵ درصد) بوده است که به وضعیت رشد پایدار نزدیک تر بوده است.
- ۶- بدترین عملکرد و بیشترین انحراف از رشد پایدار مربوط به دهه ۱۳۹۰ می باشد که در آن متوسط رشد اقتصادی ۰/۵ درصد و انحراف معیار آن ۶/۷ درصد بوده است.

بررسی وضعیت موجود رشد اقتصادی، حقایق و روندهای آن ارتباطات بین بخشی

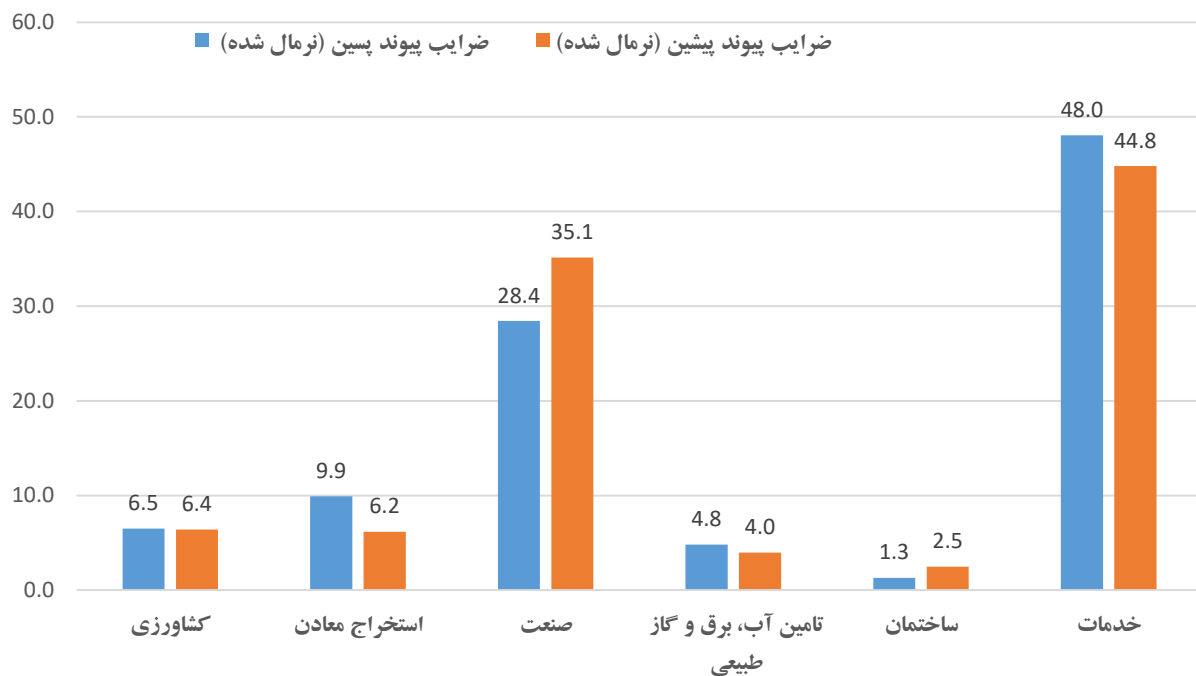
بر اساس جدول داده-ستانده مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، بخش خدمات دارای بیشترین پیوندهای پسین و پیشین با سایر بخشهای اقتصاد ایران می باشد.

بخش صنعت بعد از بخش خدمات دارای بیشترین پیوندهای پیشین و پسین با سایر بخشهای اقتصاد ایران می باشد.

بخشهای استخراج معادن (که ۹۷ درصد آن استخراج نفت و گاز می باشد)، و بخش کشاورزی در رده های بعدی قرار می گیرند.

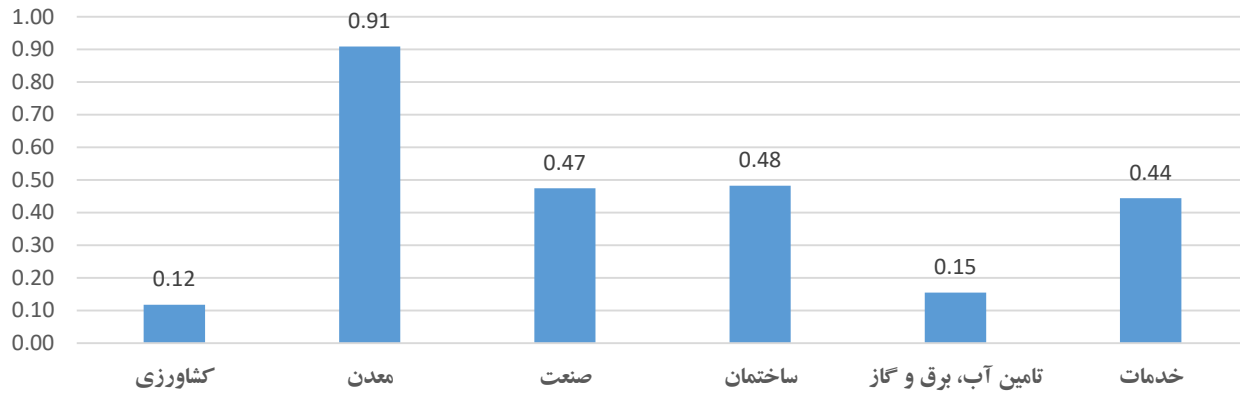
بر این اساس، می توان گفت که ایجاد تحرک در بخشهای خدمات و صنعت می تواند سایر بخشهای اقتصاد ایران را نیز به میزان قابل توجهی تحت تاثیر قرار دهد.

پیوندهای پیشین و پسین بخشهای عمده اقتصاد ایران (بر اساس جدول داده ستانده ۱۳۹۰-مرکز آمار ایران)



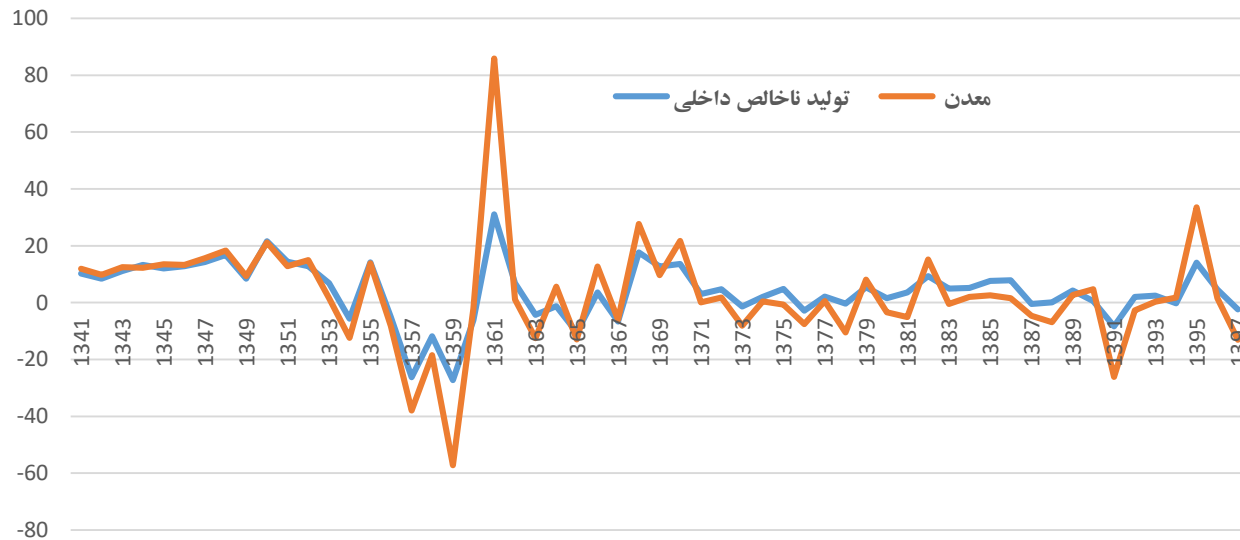
بررسی وضعیت موجود رشد اقتصادی، حقایق و روندهای آن ارتباطات بین بخشی

ضرایب همبستگی بلندمدت بین رشد اقتصادی و رشد بخشهای عمده



علی رغم ارتباطات پیشین و پسین کمتر بین بخش معدن (عمدتا نفت و گاز) و سایر بخشهای اقتصاد ایران، بالاترین همبستگی بین رشد این بخش و رشد اقتصادی دیده می شود.

همبستگی بالای رشد اقتصادی با رشد بخش معدن



بعد از بخش معدن، بخشهای ساختمان، صنعت و خدمات به ترتیب بالاترین همبستگی را با رشد اقتصادی دارند.

با توجه به اینکه بخش معدن (عمدتا نفت و گاز)، کمترین ارتباطات پسین و پیشین را با سایر بخشهای اقتصاد ایران ایجاد کرده است، الگوی رشد مبتنی بر نفت یکی از چالشهای رشد پایدار اقتصاد ایران می باشد.

عوامل، چالش ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

سوال اساسی: چه چیزی رشد اقتصادی را تعیین می کند؟

شواهد نشان می دهند که کشورهایی که انباشت سرمایه های فیزیکی و انسانی بالاتری دارند، رشد بالاتری دارند. همچنین کشورهایی که به صورت کارآمدتری از این سرمایه ها استفاده می کنند، یعنی از نظر فناوری در وضعیت بهتری قرار دارند، رشد بالاتری دارند.

سه متغیر سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و فناوری «اسباب» رشد اقتصادی هستند، اما «علت» آن نیستند.

علت رشد اقتصادی را باید در شرایطی جستجو کرد که سبب می شوند، در برخی از کشورها (مانند سنگاپور و کره جنوبی) انگیزه برای انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی بالا باشد و این سرمایه ها به شیوه کارآمدتری به کار گرفته شوند، اما در برخی دیگر از کشورها (مثلا نیجریه) این روند طی نشود.

درواقع متغیرهایی مانند نوآوری های فنی، صرفه های اقتصادی، آموزش و انباشت سرمایه فیزیکی جنبه های مختلف رشد اقتصادی هستند، اما علت را باید در عوامل دیگری جستجو کرد.

در ادبیات اقتصادی ۴ دسته نظریه وجود دارند که تلاش می کنند علت تفاوت در رشد اقتصادی کشورها را توضیح دهند:

۱- نظریات مبتنی بر شانس، ۲- نظریات مبتنی بر جغرافیا، ۳- نظریات مبتنی بر فرهنگ، ۴- نظریات مبتنی بر نهادها

عوامل، چالش ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

۱- نظریات مبتنی بر شانس:

بر اساس این نظریات، برخی تفاوت‌های کوچک ابتدایی بین کشورها سبب می شود که گزینه های متفاوتی از سوی آنها انتخاب شود و در نتیجه مسیرهایی متفاوت را طی کنند. به عنوان مثال، بروز جنگ داخلی در یک کشور، یا اتفاقات تاریخی ممکن است دو سرنوشت متفاوت را رقم بزند (کره شمالی و کره جنوبی با دو فرهنگ یکسان بعد از جنگ دو کره سرنوشتی متفاوت داشتند).

۲- نظریات مبتنی بر جغرافیا:

جغرافیا می تواند اثرات مهمی بر رشد اقتصادی داشته باشد. کیفیت خاک (که بر بهره وری کشاورزی اثرگذار است)، منابع طبیعی (مثل معادن، برخورداری از نفت و گاز، آب، جنگلها) که مستقیماً ثروت یک ملت را تشکیل می دهند، آب و هوا، وضعیت توپولوژی کشور (کوهستانی یا جلگه ای بودن، وضعیت کویرها) که بر هزینه های حمل و نقل اثرگذار است، وضعیت بیماری زایی در کشور (که بر بهره وری نیروی انسانی اثرگذار است)، همگی می توانند بر عملکرد رشد اقتصادی کشورها اثرگذار باشند.

۳- نظریات مبتنی بر فرهنگ:

ارزشهای فرهنگی و نگرشهای کشورها می تواند بر عملکرد رشد اقتصادی آنها اثرگذار باشد. نگرش جامعه به ثروت، کار، کارآفرینی، انباشت ثروت و تلاش می تواند بر انگیزه انباشت سرمایه و در نهایت عملکرد رشد اقتصادی کشور نیز اثرگذار باشد.

عوامل، چالش ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

۴- نظریات مبتنی بر نهادها:

در واقع نهادها قواعد بازی (رسمی و غیررسمی) در یک جامعه هستند.

به طور کلی، قواعد، قوانین و مقررات و سیاستهایی که بر انگیزه های اقتصادی اثرگذار هستند، در نهایت بر انگیزه سرمایه گذاری در فناوری، سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی و در نهایت رشد اقتصادی کشورها اثرگذار هستند.

کیفیت و نحوه مواجهه نهادها در یک کشور با مالکیت، میزان حمایت از کارآفرینان، میزان رقابت و منصفانه بودن آن، عدم توزیع رانتهای غیرمولد (بر عکس رانت شومپیتری مولد)، آزاد بودن تجارت خارجی، میزان سهولت در انجام فعالیتهای اقتصادی، وضعیت مجوزها، دسترسی غیرتبعیض آمیز (بین شرکتهای دولتی و غیردولتی) و کم هزینه به منابع مالی، آموزش همگانی و دسترسی آن برای همه، نظام قضایی کارآمد و کم هزینه، قوانین مادر و کیفیت آنها (مانند قانون تجارت، قانون پولی و بانکی، و...)، و... همگی نقش اساسی در تحقق رشد اقتصادی دارند.

تفاوت نظریات نهادی با نظریات قبلی مبتنی بر جغرافیا و فرهنگ در این است که نهادها درونزا هستند و توسط افراد یک ملت تعیین می شوند اما جغرافیا و فرهنگ از گذشته به ارث می رسند.

عوامل، چالش‌ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

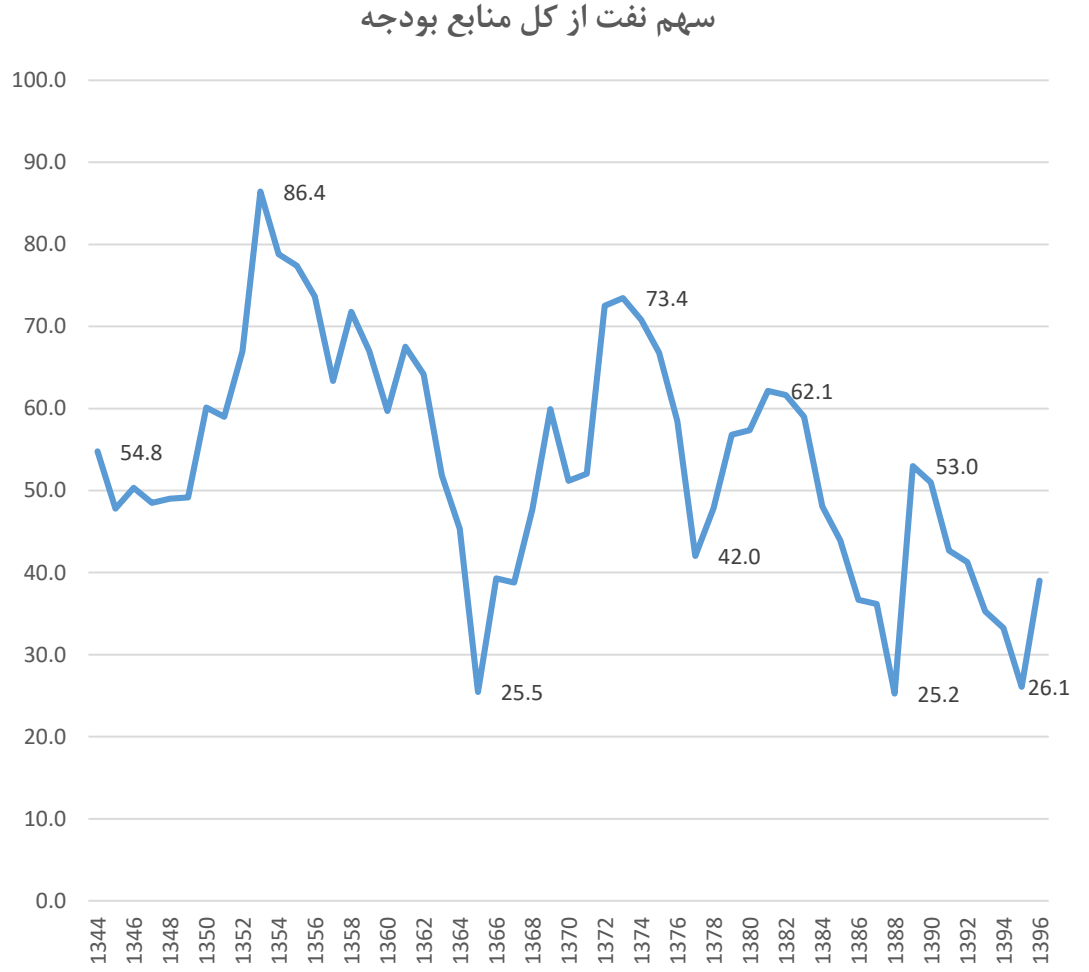
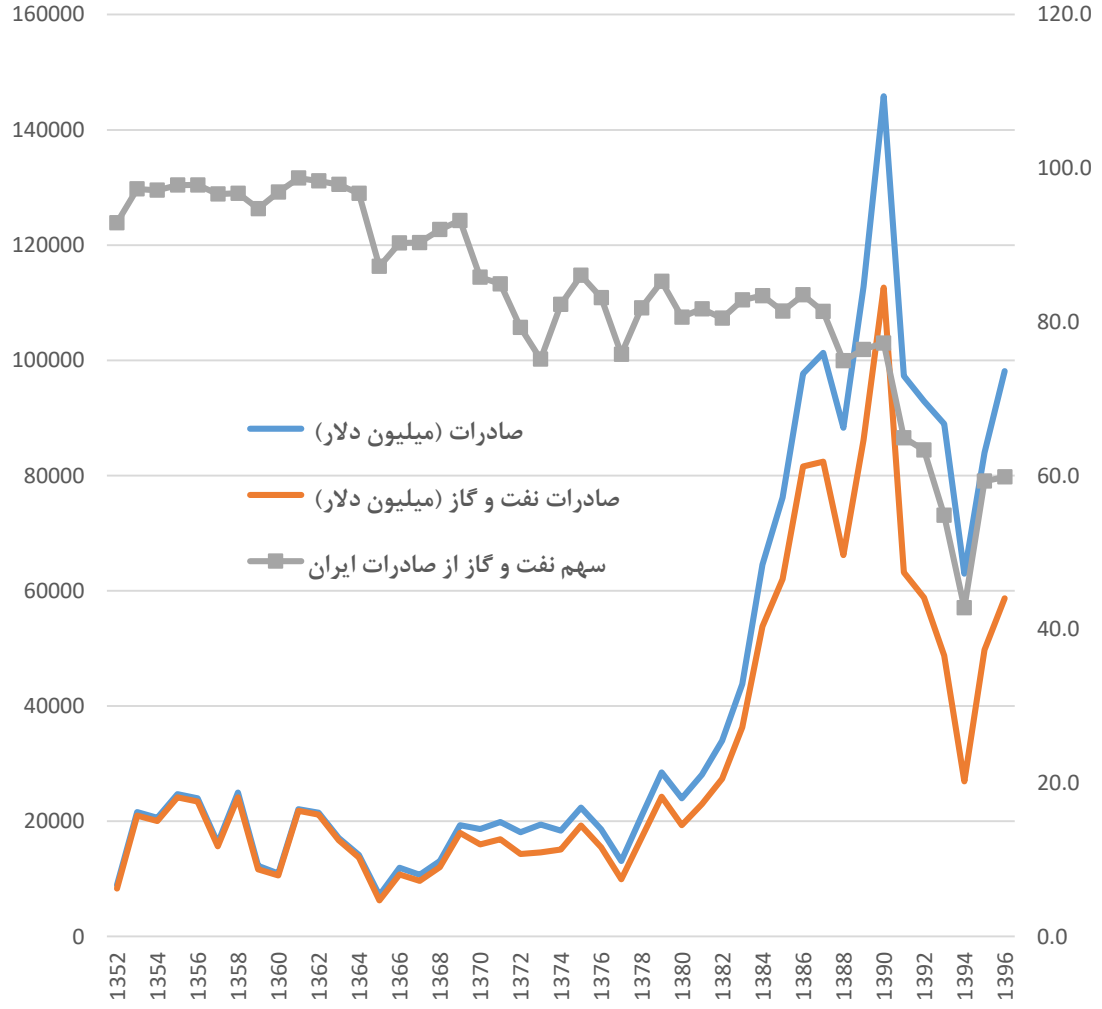
با توجه به مطالعات و نظریات رشد اقتصادی، نهادها مهمترین دلیل رشد اقتصادی یا عدم موفقیت آن هستند. نهاد دولت و کیفیت سیاستگذاری آن و نحوه اجرای آن میتواند مهمترین دلیل رشد اقتصادی باشد.

با توجه به این موارد، مهمترین موانع رشد پایدار اقتصادی در دهه‌های گذشته عبارتند از:

- ۱- وابستگی به درآمدهای نفتی و نوسانات بالای این درآمدها به دلایل اقتصادی (نوسان بازار نفت) و سیاسی (تحریمها)
- ۲- سیاستهای مالی نامناسب (کسری بودجه تقریبا دائمی دولت)
- ۳- سیاستهای پولی و ارزی غیرمستقل و وابسته به بودجه دولت
- ۴- سیاستهای تجاری نامناسب

عوامل، چالش‌ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

۱- وابستگی به درآمدهای نفتی و نوسانات قابل توجه این درآمدها به دلایل اقتصادی (نوسان بازار نفت) و سیاسی (تحریمها)



عوامل، چالش ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

۱- وابستگی به درآمدهای نفتی و نوسانات قابل توجه این درآمدها به دلایل اقتصادی (نوسان بازار نفت) و سیاسی (تحریمها)

اگرچه سهم نفت از صادرات و همچنین منابع بودجه ای طی دهه های اخیر نزولی بوده است، اما به طور کلی همچنان این سهم بالا است و نشان می دهد وابستگی اقتصاد ایران به منابع نفتی به نسبت بالا است.

وابستگی به درآمدهای نفتی از دو منظر برای رشد اقتصادی نامطلوب است:

۱- از منظر نوسانات شدید درآمدها

طی سالهای ۱۳۹۶-۱۳۴۴ متوسط سهم نفت از منابع بودجه ای دولت ۵۳/۷ درصد بوده است. با این حال، این سهم نوسانات زیادی داشته است، به طوریکه انحراف معیار سهم نفت از منابع بودجه ای بیش از ۱۴ درصد بوده است. این میزان نوسان مستقیماً به بودجه دولت وارد شده و معمولاً طرحهای عمرانی را با نوسانات شدیدی روبرو می کند که در نتیجه با رشد پایدار اقتصادی سازگاری ندارد.

۲- از منظر ایجاد بیماری هلندی و آسیب وارده به بخشهای صنعت و کشاورزی

به طور معمول در زمانهایی که درآمدهای نفتی بالا است، نرخ ارز پایین تر از تعادل نرخ ارز بدون نفت است. این وضعیت سبب می شود بسیاری از فعالیتهای صنعتی و تولیدی و کشاورزی صرفه خود را از دست بدهند یا کمتر از ظرفیت کار کنند. برعکس بخشهای غیرقابل مبادله مانند مسکن و ساختمان و خدمات در این شرایط مزیت دارند.

از سوی دیگر، وابستگی بالای بخشهای تولیدی به مواد اولیه و واسطه ای و سرمایه ای وارداتی سبب میشود در زمان کاهش درآمدهای نفتی که با افزایش شدید نرخ ارز همراه است، هزینه تامین این مواد نیز افزایش یابد و در هر دو وضعیت بخشهای صنعتی و تولیدی نتوانند افق بلندمدتی برای فعالیت برای خود تعریف کنند.

عوامل، چالش ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

۲- سیاستهای مالی نامناسب همراه با کسری بودجه تقریبا دائمی دولت

دولت طی دهه های گذشته از یک **قاعده مالی باثبات** برای درآمدها و هزینه های خود پیروی نکرده است.

۱- در طی چند دهه گذشته، **نسبت هزینه های عمرانی به جاری** به طور مستمر کاهش یافته است.

تجربیات جهانی و نیز تجربیات اقتصاد ایران نشان می دهد که سرمایه گذاری دولتی به صورت هزینه های عمرانی در زیرساختها از پیش نیازهای اولیه رشد پایدار اقتصادی است.

۲- در طی دهه های گذشته تقریبا به صورت **دائمی بودجه دولت با کسری** مواجه بوده است.

کسری بودجه دولت به طور معمول از چند طریق تامین مالی شده است که تقریبا همگی با رشد پایدار اقتصادی ناسازگار هستند:

۱- کاهش بودجه عمرانی

۲- پولی کردن کسری بودجه

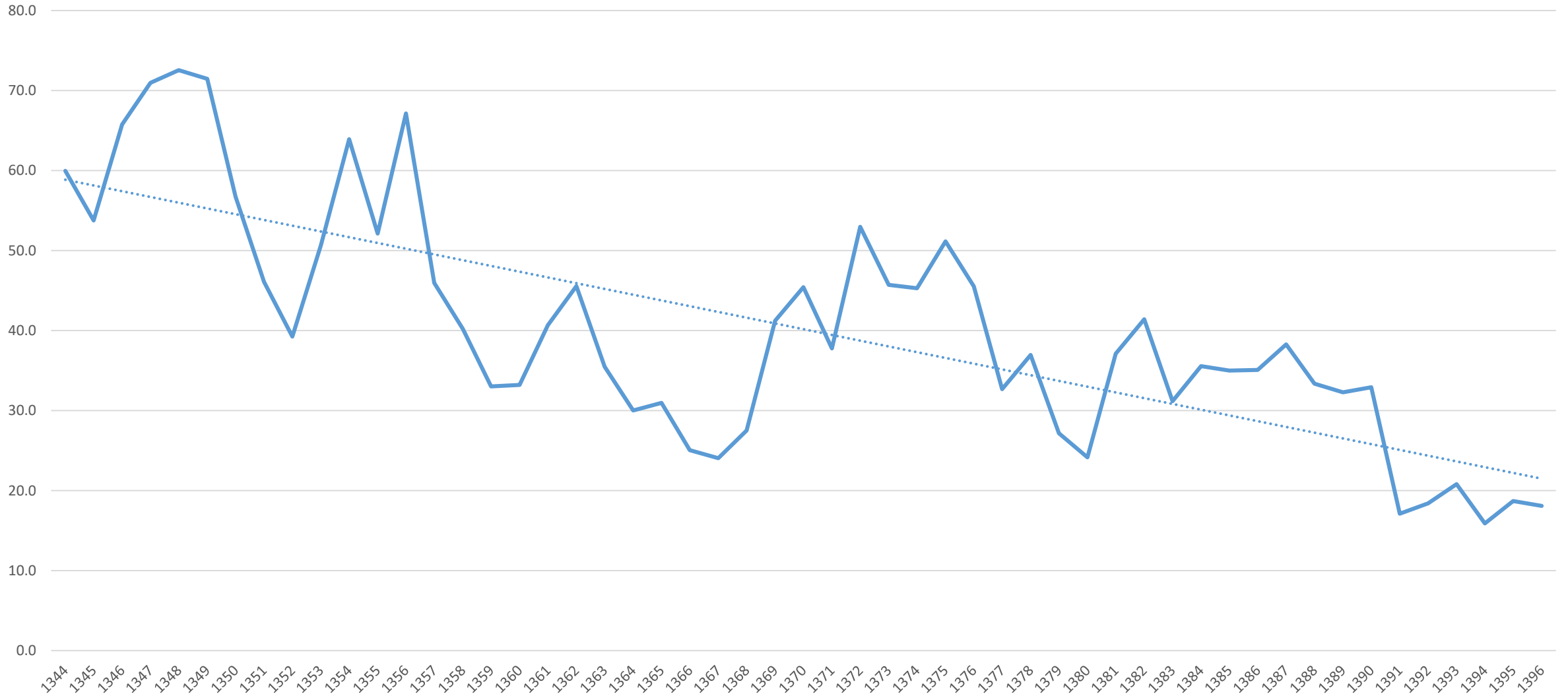
۳- عدم پرداخت تعهدات دولت به بانکها و صندوقهای بازنشستگی

۳- اگرچه در سالهای دهه ۱۳۹۰ به دلیل فشار تحریمهای نفتی سهم مالیاتها از درآمدهای دولت افزایش یافته است، اما این اقدامات بسیار دیر انجام شده است، به طوریکه کاهش درآمدهای نفتی فشار شدیدی را به بودجه دولت وارد کرده است.

نتیجه: عدم ثبات مالی و انتقال نوسانات به بخش حقیقی

عوامل، چالش ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به پرداخت های هزینه ای



عوامل، چالش ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

۳-سیاستهای پولی و ارزی غیرمستقل و وابسته به بودجه دولت:

سیاستهای پولی در ایران به دلایل مختلف با رشد پایدار اقتصادی سازگاری ندارند.

مهمترین نقص سیاست پولی در ایران، **وابستگی آن به بودجه دولت است.**

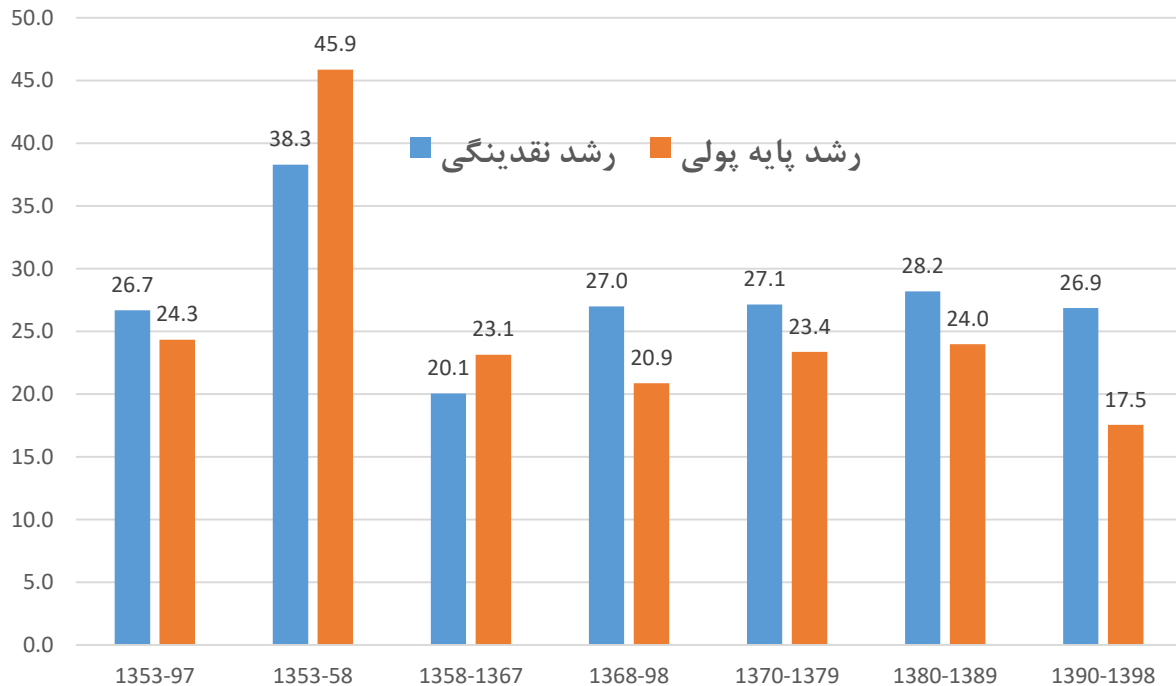
به بیان دیگر، **سیاست پولی تابعی از سیاست مالی دولت است و** از این رو بانک مرکزی نمی تواند به هدف اصلی خود که کنترل ارزش پول می باشد، برسد.

به طور معمول کسری بودجه دولت یا از طریق فروش ارز نفتی تامین میشود یا از طریق استقراض از بانک مرکزی که هر دو سبب افزایش پایه پولی می شود.

در سالهای اخیر بدهی بانکها به بانک مرکزی نیز به عنوان منبع جدیدی از رشد پایه پولی اضافه شده است.

به غیر از دوره انقلاب و جنگ، هیچ گاه متوسط رشد نقدینگی کمتر از ۲۰ درصد نبوده است.

این وضعیت باعث مزمن شدن رشد بالای نقدینگی و بروز تورم در یک دوره ۵۰ ساله شده است.



عوامل، چالش‌ها و موانع رشد اقتصادی پایدار

۴- سیاست‌های تجاری نامناسب:

در سال‌های پیش از انقلاب و بویژه در دهه ۱۳۴۰ جایگزینی واردات راهبرد اصلی تجاری کشور بود. این راهبرد تا پیش از شوک اول نفتی (۱۳۵۳) موفق بود و بسیاری از صنایع بزرگ کشور در آن زمان شکل گرفتند اما بعد از آن با بروز شوک نفتی و تزریق یکباره درآمدهای نفتی با شکست مواجه شد.

بعد از انقلاب و پس از سال‌های جنگ در برنامه اول توسعه با توجه به پایان جنگ و کمبود منابع ارزی، تسهیلات ارزی تنها به کالاهای ضروری و مواد اولیه تعلق گرفت و راهبرد اصلی بازسازی صنایع کشور بود.

در برنامه دوم توسعه شورای عالی صادرات تشکیل شد و بر افزایش صادرات تاکید شد اما مشکل این بود که در راستای توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی به جای در نظر گرفتن سیاست‌های کلان بیشتر به جزئیات اجرایی اشاره شد.

در برنامه سوم توسعه تشویق و توسعه صادرات مد نظر قرار گرفت و در این زمینه سیاست‌هایی از جمله یکسان سازی نرخ ارز و حذف پیمان سپاری ارزی، استرداد حقوق گمرکی کالاهای وارداتی مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی مد نظر قرار گرفت.

در برنامه چهارم و پنجم و ششم توسعه نیز بر توسعه صادرات تاکید شد اما به دلیل سرمایه گذاری‌های ناکافی در تحقیق و توسعه و فناوری، عدم ثبات سیاست‌های کلان و بروز تورم، شوک‌های سیاسی و اقتصادی از جمله افزایش درآمدهای نفتی و سپس تحریم‌های اقتصادی در دهه ۱۳۹۰ موجب شد تا علی‌رغم وجود راهبرد توسعه صادرات در اسناد بالادستی، در عمل سیاست توسعه صادرات اجرا نشود.

به طور کلی بی‌ثباتی سیاست‌ها، درونگرایی و حمایت افراطی از برخی از صنایع داخلی، عدم توجه به سرمایه گذاری‌های بلندمدت، شوک‌های سیاسی مانند تحریم‌ها، و عدم هماهنگی سایر سیاست‌های کلان موجب شد تا توسعه صادرات محقق نشود.

موانع غیر اقتصادی رشد اقتصادی پایدار

۱- موانع داخلی

فساد: وجود فساد در اقتصاد ایران موضوعی تازه نیست و در گذشته نیز سابقه داشته است. وجود فساد و رانت اقتصادی سبب می شود که انگیزه برای انباشت سرمایه و کارآفرینی که لازمه رشد اقتصادی است، از بین برود.

مشکلات فرهنگی: بخشی از تاریخ معاصر ما با مساله ضدیت با سرمایه و سرمایه دار روبرو بوده است، این در حالیست که بر اساس آموزه های اسلام حرمت اموال مومنان در حد خون مومن می باشد و کار و تلاش برای آبادانی توصیه شده است. در طی قرن بیستم و در فضای جنگ سرد، ادبیات سوسیالیستی و مارکسیستی بر فضای نخبگان ایرانی سایه افکنده بود. این فضا تا سالهای پس از انقلاب اسلامی نیز همچنان پابرجا ماند و سبب شد فضای منفی نسبت به انباشت سرمایه در ایران ایجاد شود.

تحولات سیاسی داخلی: هر زمان چالشهای سیاسی و بحران های سیاسی در کشور اوج می گیرد، ریسک سرمایه گذاری افزایش یافته و در نتیجه رشد اقتصادی کاهش می یابد.

دولت و دستگاه بروکراسی: از مهمترین موانع رشد اقتصادی کشور، دولت و دستگاه بروکراسی ناکارآمد آن است. این امر هزینه طرح های عمرانی را افزایش داده و صرفه اقتصادی آن ها را کاهش می دهد.

از سوی دیگر، تغییرات شدید مدیریتی بعد از تغییر دولتها سبب می شود در سالهای انتخابات عملاً بسیاری از امور متوقف شود. چنین شرایطی ریسک سرمایه گذاری در کشور را افزایش می دهد، چرا که بر اساس تجربه، بسیاری از امور کشور با تغییرات مدیریتی متوقف شده و طرحهای قبلی به فراموشی سپرده می شوند.

موانع غیر اقتصادی رشد اقتصادی پایدار

۲- موانع خارجی

- پس از جنگ سرد و نیز بعد از درگیر شدن آمریکا در جنگ عراق و افغانستان و تحمیل هزینه های سنگین، راهبرد اصلی آمریکا برای مقابله با سایر کشورها استفاده از **تحریم اقتصادی** بوده است. (نمونه ها: تحریمهای ایران، روسیه، تهدید به تحریم ترکیه).
- **مهمترین مانع خارجی برای رشد پایدار** کشور که اثرات بزرگی بر اقتصاد ایران داشته است، **تحریمهای اقتصادی** است. این تحریمها معمولاً بخش نفت و گاز و بانکداری کشور را هدف قرار داده است که هر دو نقش اساسی در چرخه فعالیتهای اقتصادی کشور دارند.
- **هدف عمده این تحریمها عملاً قطع جریان انباشت سرمایه و توقف رشد اقتصادی بوده است**، چرا که تجربه نشان داده است در سالهایی که اقتصاد ایران تحریم نبوده است، یا با رفع تحریمها، رشد اقتصادی ایران احیاء شده و ایران به طور معمول در زمره ۲۰ اقتصاد برتر دنیا قرار گرفته است. با تداوم شرایط فعلی، این احتمال وجود دارد که اقتصاد ایران در بین ۳۰ اقتصاد بزرگ دنیا قرار بگیرد که این نزول ناشی از تحریمهای اقتصادی است.
- آثار منفی تحریمهای اقتصادی فقط به بخش نفت و گاز و بخش بانکی محدود نمی شود. اگرچه تحریمهای اقتصادی از اواخر دهه ۱۳۸۰ شدت گرفتند اما **تحریمهای فناوری همواره بخش مهمی از تحریمها علیه کشور بوده اند**. این امر خود مانع بزرگی در رشد فناوری و رشد اقتصادی کشور ایجاد میکند.
- **تحریمها سبب شده است که ایران نتواند به درستی جزئی از یک بلوک اقتصادی در آسیا باشد و به صورت عادی با دیگران تجارت کند.** (نمونه: عدم عضویت نهایی در پیمان شانگهای)

نقش دانش و بهره وری در رشد اقتصادی در ایران

۱- بهره وری سهم کمی از رشد اقتصادی ایران داشته است.

در فاصله سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ متوسط رشد اقتصادی با نفت ۲/۳ درصد و بدون نفت ۲/۸ درصد بوده است.

در همین دوره بهره وری نیروی کار ۱/۳ درصد در سال رشد کرده است، درحالیکه بهره وری سرمایه به طور متوسط سالانه ۰/۵ درصد کاهش یافته است.

در همین دوره بهره وری کل عوامل تولید رشد ۰/۰ درصد را نشان می دهد.

نتیجه: رشد اقتصادی در ایران عمدتاً نتیجه رشد منابع (نیروی کار و عمدتاً سرمایه) بوده است اما اقتصاد ایران در بهره برداری بهتر و موثرتر از منابع موجود موفق نبوده است.

از دلایل این امر می توان به فعالیت کمتر از ظرفیت (وجود ظرفیت بلااستفاده) در صنایع، عدم به کارگیری مناسب علم و فناوری در جریان تولید، قدیمی بودن فناوری ها، و ضعف مدیریت اشاره کرد.

۵-۳- نقش دانش و بهره‌وری در رشد اقتصادی در ایران

۲- بین‌توان علمی کشور و دستاوردهای فنی آن شکاف قابل توجهی وجود دارد.

توان علمی تبدیل به محصولات بازاری نمی‌شود.

به عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۸ تعداد ۴۸,۳۰۶ مقاله علمی و فنی توسط دانشمندان ایرانی چاپ شده است که از کشورهایمانند سوئد، سوئیس، مالزی، اندونزی، هلند، ترکیه و لهستان بیشتر بوده و در رده کشورهایمانند اتریش و اسپانیا قرار دارد.

با این حال، رقم صادرات محصولات با فناوری بالای ایران در سال ۲۰۱۷ تنها ۲۷۸ میلیون دلار بوده است که نشانگر شکاف عمیق بین‌توان علمی و دستاوردهای علمی کشور است.

۳-۳- عدم سرمایه‌گذاری مناسب در تحقیق و توسعه

از ضعف‌های عمده در نظام دانش و فناوری کشور، عدم سرمایه‌گذاری مناسب در تحقیق و توسعه است.

بر اساس آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۱۷ نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی در ایران ۰/۸۳ درصد بوده در حالیکه همین رقم برای ترکیه ۰/۹۶ درصد، تایلند ۱ درصد، اسپانیا ۱/۲ درصد، امارات ۱/۳ درصد، کانادا ۱/۵ و چین ۲/۱۵ درصد بوده است.

این به معنای عدم سرمایه‌گذاری کافی در دانش و کاربردی کردن آن در ایران است که سبب تعمیق شکاف بین‌توانی‌ها و دستاوردهای دانشی ایران شده و در نهایت موجب کندی رشد بهره‌وری می‌شود.

۶-۳- رشد اقتصادی و مساله جمعیت

یکی از منابع رشد اقتصادی، نیروی انسانی است.

ایران کشوری جوان است و از این منظر در بهترین وضعیت از منظر دسترسی به نیروی انسانی قرار دارد.

بخش بزرگی از نیروی انسانی ایران تحصیل کرده هستند که این از منظر سرمایه انسانی یک مزیت بزرگ برای رشد اقتصادی محسوب می شود.

عدم رشد اقتصادی کافی در دهه ۱۳۹۰ و عدم اشتغالزایی مناسب برای جمعیت جوان کشور سبب شده است که اقتصاد ایران به خوبی از پنجره جمعیتی خود استفاده نکند.

با گذشت دهه ۱۳۹۰ و ورود به دهه ۱۴۰۰ شمسی با توجه به کاهش رشد جمعیت، به تدریج متوسط سن جمعیت ایران افزایش خواهد یافت.

افزایش سن جمعیت ایران را در وضعیت کشورهایمانند ژاپن و ایتالیا قرار خواهد داد که جمعیت پیری دارند.

این وضعیت به معنای بسته شدن پنجره فرصت جمعیتی از یک سو، افزایش جمعیت غیر مولد از سوی دیگر و افزایش بار تکفل می شود و کشور را با معضلاتی از قبیل هزینه های بالای بازنشستگی و بهداشتی مربوط به افراد در سن بالا و سالمندان قرار می دهد که بخش بالاتری از جمعیت را به نسبت وضعیت فعلی تشکیل داده اند.

در چنین شرایطی پایداری رشد اقتصادی به خطر خواهد افتاد.

کشورها در چنین وضعیتی به طور معمول اقدامات زیر را انجام می دهند:

۱- تشویق فرزندآوری، ۲- تشویق مهاجرت (با تاکید بر مهاجران سرمایه دار و نخبه)، ۳- تکیه بر علم و دانش برای رشد اقتصادی.

۴- جمع بندی

۱- توجه به موضوع رشد اقتصادی و تاکید بر پایدار بودن آن در اسناد بالادستی به روشنی بیان شده است.

۲- تحقق یا عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار بر سایر اهداف کلان کشور نیز اثرگذار خواهد بود.

۳- در بلندمدت متوسط رشد اقتصادی ایران ۳/۹ درصد بوده است که در صورت ثبات و پایداری، عملکردی نامناسب نیست. مهمترین ویژگی رشد اقتصادی بلندمدت در ایران، نوسانات بالای آن میباشد. بدترین عملکرد و بیشترین انحراف از رشد پایدار مربوط به دهه ۱۳۹۰ می باشد. تداوم این وضعیت میتواند برای کشور بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و در نهایت امنیتی ایجاد نماید.

۴- به نظر می رسد که رشد اقتصادی طی دهه های گذشته عمدتاً متأثر از درآمدهای نفتی بوده است. این درحالیست که بخش نفت در مقایسه با بخشهای خدمات و صنعت پیوندهای پسین و پیشین ضعیفی با سایر بخشهای اقتصادی دارد. لذا بازنگری در الگوی توسعه و رشد اقتصادی کشور و حرکت به سمت بخشهای صنعت و خدمات از الزامات اساسی است که باید رعایت شود.

۷- با توجه به مطالعات و نظریات رشد اقتصادی، نهادها مهمترین دلیل رشد اقتصادی یا عدم موفقیت آن هستند. در این میان نهاد دولت و کیفیت سیاستگذاری آن و نحوه اجرای آن میتواند مهمترین دلیل رشد اقتصادی باشد.

۴- جمع بندی

۸- مهمترین موانع اقتصادی رشد پایدار اقتصادی در دهه های گذشته عبارتند از:

-وابستگی به درآمدهای نفتی

-سیاستهای مالی نامناسب همراه با کسری بودجه تقریباً دائمی دولت.

-سیاستهای پولی و ارزی غیرمستقل و وابسته به بودجه دولت.

-سیاستهای تجاری نامناسب.

۹- از موانع غیراقتصادی رشد اقتصادی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

وجود، فساد و رانت اقتصادی، مشکلات فرهنگی و فضای منفی نسبت به انباشت سرمایه، چالش های سیاسی داخلی که ریسک سرمایه گذاری را افزایش می دهد و دولت و دستگاه بروکراسی ناکارآمد

۱۰- تحریمهای اقتصادی مهمترین مانع خارجی برای رشد پایدار کشور است که اثرات بزرگی بر اقتصاد ایران داشته است که هدف عمده آن قطع جریان انباشت سرمایه و توقف رشد اقتصادی است.

۱۱- بهره وری سهم کمی از رشد اقتصادی ایران داشته است.

۱۲- علی رغم جوانی جمعیت، اما با ورود به دهه های بعدی، پنجره فرصت جمعیتی بسته می شود و مشکلات پیری جمعیت به اقتصاد ایران تحمیل خواهد شد.